

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ۳

**موضوع: فرازی از نامه‌ی آن جناب که در آن مسلمانان را از ناآگاهی بر حذر می‌دارد
و به سوی کسب علم و شناخت حق و باطل فرا می‌خواند.**

بسم الله الرحمن الرحيم

ای خداوند من و خداوند پدران من که در گذشته‌اند! و خداوند آسمان‌های برافراشته با ستون‌هایی که دیده نمی‌شوند! و خداوند خورشید فروزان و ماه تابان و ستارگان فراوان! و خداوند زمین‌های فراخ که برخی بر روی برخی دیگر قرار گرفته‌اند و با میخ‌هایی به هم پیوسته‌اند! و خداوند اقیانوس‌های ژرف و گسترده و آن‌چه بر آن‌ها و در آن‌ها شناور است! و خداوند دریا‌های بزرگ با موج‌های خروشان و جزایر زیبا و سواحل ماسه‌ای و رودهایی که در آن‌ها می‌ریزند! و خداوند کوهستان‌های بلند با قلّه‌های برف‌گیر و دامنه‌های پرشیب و درّه‌های تاریک و پرتگاه‌های خطرناک و صخره‌های سترگی که بر کرانه‌ی آن‌ها آویخته‌اند! و خداوند جنگل‌های سرسبز با درختان انبوه و اعماق تاریک و هر جنبنده‌ای که در آن‌ها جنبان است! و خداوند بیابان‌های پهناور با گستره‌ای خشک و خاکی فرسوده و بوته‌هایی بیخته^۱ و شن‌بادهایی که بر آن‌ها می‌وزند! و خداوند ابره‌های باران‌زا و ابره‌های غیرباران‌زا که از آفاق دور می‌آیند و بر زمین سایه می‌افکنند! و خداوند بهار که زایش طبیعت است و تابستان که بلوغ طبیعت است و پاییز که پیری طبیعت است و زمستان که مرگ طبیعت است! و خداوند آن‌چه بود و آن‌چه هست و آن‌چه خواهد بود!

تو را می‌پرستم، پرستش پیامبران و تو را می‌ستایم، ستایش فرشتگان. تو را تسبیح می‌گویم و بزرگ می‌شمارم و سپاس می‌گزارم به شماره‌ی ستارگان آسمان؛ و چه کسی جز تو شماره‌ی ستارگان آسمان را می‌داند؟! و به شماره‌ی برگ‌های درختان؛ و چه کسی جز تو شماره‌ی برگ‌های درختان را می‌داند؟! و به شماره‌ی ریگ‌های بیابان؛ و چه کسی جز تو شماره‌ی ریگ‌های بیابان را می‌داند؟! و به شماره‌ی قطرات باران؛ و چه کسی جز تو

۱. منظور بوته‌هایی خشکیده است که باد مانند الک، آن‌ها را تکان داده و برگ‌هایشان را از ساقه جدا کرده است. یا بوته‌هایی کنده و سرگردان که باد آن‌ها را می‌گرداند و بالا و پایین می‌اندازد، چنانکه گویی آن‌ها را غربال می‌کند.

شماره‌ی قطرات باران را می‌داند؟! و به شماره‌ی پرتوهای خورشید تابان؛ و چه کسی جز تو شماره‌ی پرتوهای خورشید تابان را می‌داند؟! و به شماره‌ی نفّس‌های جانداران؛ و چه کسی جز تو شماره‌ی نفّس‌های جانداران را می‌داند؟! و به شماره‌ی پلک بر هم زدن مردمان؛ و چه کسی جز تو شماره‌ی پلک بر هم زدن مردمان را می‌داند؟! بل همه‌ی این‌ها را شماره‌ای است، امّا من تو را تسبیح می‌گویم و بزرگ می‌شمارم و سپاس می‌گزارم بی‌شمار و بی‌پایان، مانند نعمت‌هایت، آن‌گونه که سزاوار جمال و جلال توست! و تو را یگانه می‌دانم و برای تو انبازی نمی‌شناسم و گواهی می‌دهم که محمد -درود تو بر وی و خاندانش باد- بنده و واپسین فرستاده‌ی توست که او را با هدایت و دین حق فرستادی تا آن را بر هر دینی پیروز گردانی هر چند مشرکان خوش ندارند. آن‌گاه دوازده تن از خاندان او، خلفای تو و خلفای پیامبرت هستند که بر آنان نعمت بخشیدی و آنان را بر مردمان برتری دادی و برایشان پیشوا نمودی تا تو را بشناسند و بپرستند و بازگشت من به سوی توست.

من را به آن چه می‌پسندی راه بنما و از آن چه نمی‌پسندی بازدار و من را به خودم وامگذار تا از آن چه می‌پسندی روی بگیرم و به آن چه نمی‌پسندی روی آورم، من آن هنگام از زیان کاران خواهم بود. ای خداوند! میان من و کسانی که تو را نمی‌شناسند و در زمین برتری می‌جویند و تباهی می‌انگیزند حکم فرما و مرا بر ضدّ آنان یاری کن؛ چراکه تو بهترین حکم‌کنندگان و بهترین یاری‌کنندگان. به تو روی آوردم و بر تو توکل کردم و تو را با آیینی پیراسته برای تو پرستیدم و از پرستش طاغوت پرهیختم و از کسانی که با تو و با دوستان تو دشمنند کناره گرفتم تا مرا پاک گردانی و به خویش نزدیکم سازی و نعمتم دهی و از گناهانی که دست‌هایم پیش فرستاده یا پس انداخته است چشم پوشی و در روزی که دل‌ها و دیده‌ها بازگون می‌گردند از آتش برهانی و به بهشت درآوری؛ همانا تو هر که را بخواهی می‌رهانی و هر که را بخواهی می‌سوزانی و تو بسیار بخشاینده و مهربان هستی.

و امّا بعد..

... ای برادران و خواهران مسلمان! بدانید که جهان به پایان خود نزدیک شده و آخر الزّمان فرا رسیده و سپیده‌ی وعده‌ها بر دمیده است. اکنون ما و شما در روزگاری زندگی می‌کنیم که فتنه و آشوب همه جا را فرا گرفته و ظلم و فساد گسترش یافته و شبهه فراوان شده است. شبهه را از آن رو «شبهه» می‌گویند که انسان را به «اشتباه» می‌اندازد و حق و باطل را

به هم «مشتبه» می‌سازد. بی‌گمان اگر حق آشکار بود بر کسی پوشیده نمی‌ماند و اگر باطل بی‌حجاب بود نزد همگان رسوا می‌شد، اما واقع آن است که حق در پسِ ابرهای باطل فرو می‌رود و باطل نقاب حق بر چهره می‌زند و این جاست که شناخت آن دو از هم سخت می‌گردد.

شیطان می‌داند که اگر شما را آشکارا به سوی باطل فرا خواند و به گمراهی فرمان دهد شما دعوت‌اش را اجابت نمی‌کنید و از فرمانش سر می‌پیچید؛ از این رو، شما را از یک سو به حق فرا می‌خواند و به هدایت فرمان می‌دهد و از سوی دیگر باطل را در نظر شما حق می‌آراید و گمراهی را برایتان هدایت جلوه می‌دهد! این جاست که شما دعوت او را اجابت و فرمان او را اطاعت می‌کنید و به شوق حق گرفتار باطل و به نام هدایت دچار گمراهی می‌شوید! و روزگار ما لبریز از این شبهه‌هاست؛ شبهه‌هایی که جوانان شما را فریب داده و پیران شما را سرگردان نموده است؛ شبهه‌هایی که زندگی را بر شما سخت کرده و برکت را از سفره‌ها تان برده است؛ شبهه‌هایی که عقل شما را منگ و قلب شما را سنگ کرده است؛ شبهه‌هایی که چشم‌های شما را گرفته است تا نبینید و گوش‌های شما را گرفته است تا نشنوید و دهان‌های شما را گرفته است تا چیزی نگویید!

چه بسیار باطلی که در روزگار ما حق دانسته شده است و چه بسیار حقی که در روزگار ما باطل! چه بسیار ضلالتی که در روزگار ما هدایت به شمار رفته است و چه بسیار هدایتی که در روزگار ما ضلالت! چه بسیار دروغی که در روزگار ما راست پنداشته شده است و چه بسیار راستی که در روزگار ما دروغ! چه بسیار غلطی که در روزگار ما درست انگاشته شده است و چه بسیار درستی که در روزگار ما غلط! چه بسیار بدی که در روزگار ما خوب جلوه داده شده است و چه بسیار خوبی که در روزگار ما بد! در حالی که شناختن حق از باطل و ندانستن هدایت از گمراهی و درنیافتن راست از دروغ و نفهمیدن درست از غلط و تشخیص ندادن خوب از بد، به هیچ روی ساده و بی‌اهمیت نیست، بل تاوان سخت و پی‌آمدهای دشواری دارد و می‌تواند به مصیبتی جان‌کاه و شقاوتی ابدی منتهی شود.

بیندیشید که اگر دشمن را از دوست تشخیص ندهید چه فرجامی خواهد داشت؟! یا اگر گرگ را از گوسفند تمییز ندهید چه حادثه‌ای روی خواهد داد؟! یا اگر تیغ را از پنبه در نیابید چه خواهد شد؟! یا اگر دارو را از سم باز شناسید چه مصیبتی به بار خواهد آمد؟!!

حق و باطل برای شما مانند دوست و دشمن، و هدایت و گمراهی برای شما مانند گوسفند و گرگ، و راست و دروغ برای شما مانند پنبه و تیغ، و درست و غلط برای شما مانند دارو و سم است که اگر یکی را از دیگری تشخیص ندهید هلاک خواهید شد! این جاست که «جهل» انسان، بزرگ‌ترین دشمن او می‌شود و «بی‌خبری» او بلای جانش می‌گردد! هیچ کس دشمنی بزرگ‌تر از جهل خود نداشته است و هیچ چیز برای آدمی خطرناک‌تر از بی‌خبری نیست! بنابراین، از جهل خود بیش از دشمن بر حذر باشید و از بی‌خبری خود بیش از گرگ هراسان باشید و از بی‌اطلاعی خود بیش از تیغ احتیاط کنید و از ناآشنایی خود بیش از سم بترسید! چراکه دشمن و گرگ و تیغ و سم مادی، جسم شما را از پای در می‌آورند، در حالی که جهل و بی‌خبری و بی‌اطلاعی و ناآشنایی معنوی، روح شما را تباہ می‌کند!

پس ای مردمی که در زندگی‌های خود روزمره شده‌اید و به روزمرگی‌های خود عادت کرده‌اید و در عادت‌های خود فرو رفته‌اید و در فرو رفتگی‌های خود محکم گشته‌اید و نمی‌دانید کدام از کدام است! ای برادران و خواهران خفته‌ی من! به خود آیید و بیدار شوید و برخیزید! به خدا سوگند، شما را از «شناختن» گزیری نیست و کار شما جز با «دانستن» راست نمی‌آید. هم‌اینک، «شناخت» مانند فرشته‌ای شما را به سوی خود فرا می‌خواند و «دانستن» مانند پیامبری شما را به سوی خود دعوت می‌کند. در کوچه‌های شما فریاد می‌زند و بر پشت بام‌ها تان ندا می‌دهد که «ای بی‌خبران! شام بی‌خبری پشت نموده و صبح آگاهی بر دمیده است. اینک بیدار شوید و به سوی من بشتابید و چیزی شما را از من باز ندارد! چراکه من برای شما از نان شب واجب‌تر و از کسب و کار و خانواده سودمندترم. من تنها کسی هستم که با شما می‌ماند و در دنیا و آخرت از شما جدا نمی‌شود. اموال شما از بین می‌روند، همسرانتان می‌میرند و فرزندان‌تان جدا می‌شوند، اما من هیچ گاه از بین نمی‌روم و هیچ گاه نمی‌میرم و هیچ گاه از شما جدا نمی‌شوم. بل شما را مانند خود حفظ می‌کنم و همراه خود به جاودانگی می‌رسانم. اگر من با شما باشم چیزی به شما زیان نخواهد رساند و اگر من با شما نباشم چیزی به شما سود نخواهد رساند. پس کدامین بازدارنده شما را از من باز می‌دارد و کدامین بی‌نیاز کننده شما را از من بی‌نیاز می‌کند؟!» این گونه «شناخت» شما را به سوی خود فرا می‌خواند و این چنین «دانستن» شما را به سوی خود دعوت می‌کند. پس ندای او را بشنوید و دعوت او را اجابت کنید! برای شناخت حق از باطل به پا خیزید و برای دانستن درست از غلط اهتمام ورزید! و چرا چنین و چنان نکنید؟! در حالی که شناخت حق و باطل،

قوامِ انسانیّت شما و دانستنِ درست و غلط، مایه‌ی شخصیّت شماست. چگونه نام خود را انسان می‌نهد کسی که از «معرفت» بیزار است؟! و چرا نام خود را اسب نمی‌نهد کسی که با «علم» بیگانه است؟! داناییِ انسان، پایه‌ی شرفِ او و آگاهیِ او، مایه‌ی عزّت اوست. مقصودم از آگاهی، ریاضی و هندسه و مانند آن نیست و منظورم از دانایی، فقه و اصول و منطق و فلسفه نیست! این‌ها همه فضلی است که امروز فتنه شده است و قوامِ انسانیّت شما به این‌ها نیست! مقصودم از دانایی، شناختِ حق از باطل و منظورم از آگاهی، تشخیصِ هدایت از گمراهی است. چه بسیار فقیه و فیلسوفی که به دوزخ رفته و چه بسیار دکتر و مهندسی که رستگاری نیافته است؛ چرا که حق را از باطل نشناخته و هدایت را از گمراهی دریافته است!

هان، ای دانشجویان و طالبانِ علوم دینی! شما را می‌بینم که در درس و بحث خود فرو رفته‌اید و نمی‌دانید حق کدام و باطل کدام است! امروز این درس و بحث برای شما فتنه است!

هان، ای مجتهدان و مقلدان! شما را می‌بینم که در اجتهاد و تقلید خود فرو رفته‌اید و نمی‌دانید حق کدام و باطل کدام است! امروز این اجتهاد و تقلید برای شما فتنه است!

هان، ای خطیبان و منبریان! شما را می‌بینم که در خطبه و منبر خود فرو رفته‌اید و نمی‌دانید حق کدام و باطل کدام است! امروز این خطبه و منبر برای شما فتنه است!

هان، ای مسجدیان و خانقاهیان! شما را می‌بینم که در مسجد و خانقاه خود فرو رفته‌اید و نمی‌دانید حق کدام و باطل کدام است! امروز این مسجد و خانقاه برای شما فتنه است!

هان، ای کارمندان و بازاریان! شما را می‌بینم که در کار و کسب خود فرو رفته‌اید و نمی‌دانید حق کدام و باطل کدام است! امروز این کار و کسب برای شما فتنه است!

هان، ای گروه مردمان! به هر گوشه‌ای می‌نگرم شما را می‌بینم که در زندگی‌های خود فرو رفته‌اید و در خانه‌های خود پنهان شده‌اید! به خود و به یکدیگر مشغول گشته‌اید و نمی‌دانید حق کدام و باطل کدام است! به روزمرگی‌های خود معتاد شده‌اید و در باتلاق تعلّق‌ها گرفتار آمده‌اید! دیگر به شناختنِ حق و باطل نمی‌اندیشید و از دانستنِ درست و غلط سراغ نمی‌گیرید! حق برای شما باطل یکسان شده است و درست برای شما با غلط فرقی نمی‌کند! خود را از این مسائل فارغ کرده‌اید و سرتان از این موضوعات سرگرم است!



«معرفت» صاحب خود را یاری می‌کند و «علم» دوست خود را نجات می‌دهد. این دو برای شما مانند آب برای تشنه و غذا برای گرسنه و راهنما برای گم‌شده و مونس برای تنه‌ایند. این دو پشتیبان شما و عصای دستتانند. این دو درمان دردهای شما و مرهم زخم‌هاتانند. این دو کلید درهای بسته و دروازه‌های خوشبختی شمایند. این دو سرمایه‌ی شما در روز نداری و دست‌گیر شما در روز افتادگی‌اند. این دو برای شما رهبرانی هستند که گمراه نمی‌کنند و حاکمانی هستند که ستم نمی‌ورزند. این دو برای شما خانه‌هایی هستند که ویران نمی‌شوند و زمین‌هایی هستند که همیشه آبادند. این دو برای شما ثروت‌هایی هستند که به سرقت نمی‌روند و کارگرانی هستند که سستی نمی‌ورزند. این دو برای شما همسرانی هستند که جدا نمی‌شوند و فرزندانی هستند که جفا نمی‌کنند. این دو برای شما دوستانی هستند که دشمن نمی‌شوند و همراهانی هستند که تنها نمی‌گذارند. پس به این دو روی آورید و هیچ چیز شما را از این دو باز ندارد! راست را از دروغ بشناسید و درست را از غلط تشخیص دهید! شناختن، دزد دین و دنیای شما و تشخیص ندادن، اسباب ندامت شماست.

به شما راست می‌گویم: ندانستن، در این روزگار گناهی نابخشودنی و خطایی بسیار بزرگ است. در این روزگار اگر حقیقت را شناسید فریب می‌خورید و اگر هدایت را تشخیص ندهید سرتان کلاه می‌رود! شیطان‌های جتّی باطل را برایتان جایِ حق می‌زنند و شیطان‌های انسی گمراهی را با نام هدایت به خوردتان می‌دهند! همیشه هستند فرصت‌جویانی که از نادانی شما سوء استفاده کنند و بی‌خبری شما را مغتنم بشمارند، تا به واسطه‌ی شما به قدرت و ثروت دست یابند و اموال و انفس شما را بخورند! در حالی که اگر شما آگاه بودید، اینان بر شما سلطه نمی‌یافتند و اگر شما دانا بودید، اینان بر شما چیره نمی‌شدند! آیا در تاریکی شب نیست که دزد به خانه می‌آید و در آبِ گل‌آلود نیست که ماهی به تور می‌افتد؟! هوشیار باشید و بیش از این در نادانی و بی‌خبری نمانید! هر چه زودتر- پیش از آن‌که دیر شود-



برای شناختِ حقّ از باطل به پا خیزید و برای تشخیص هدایت از گمراهی تلاش کنید.
هر چند من بیمِ آن دارم که دیر شده باشد...

آیا مرد خردمندی در میان شما نیست که حکمت را فرا گیرد و زن دانایی در لابه‌لاتان یافت
نمی‌شود که نصیحت را بپذیرد؟! زیرکان شما کجایند که کلام را فهم کنند و هوشیارانتان
کیانند که دعوت را پاسخ گویند؟! خوشا به حال کسانی که معرفت را فرا می‌گیرند؛ چراکه
آنان رستگاری خواهند یافت و بدا به حال کسانی که در جهالت فرو می‌مانند؛ چراکه آنان
بدبخت خواهند شد...



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر

صفحه اینستاگرام

صفحه تلگرام

صفحه فیس‌بوک

لینک سایت